

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

| | |
|-----------------------------------------------------------------|----------------------------------------|
| أَحَلَّ : حلال تر، حلال ترین | غاز : گاز |
| إِشْتَعَالَ : برافروخته شدن ، سوختن (اِشْتَعَلَ ، يَشْتَعِلُ) | فَالِقٌ : شکافنده |
| أَطْيَبٌ : خوب تر ، خوب ترین = أَحْسَنٌ ، أَفْضَلُ | لُبٌّ : مغز میوه |
| أَغْصَانٌ ، غُصُونٌ : شاخه ها « مفرد : غُصْنٌ » | مَحَاصِيلٌ : محصولات |
| إِلْتِفَافٌ : در هم پیچیدن (اِلْتَفَّ ، يَلْتَفُّ) | الْمُحِيطُ الْهَادِيُّ : اقیانوس آرام |
| بُدُورٌ : دانه ها « مفرد : بَدْرٌ » | مُزَارِعٌ : کشاورز = زَارِعٌ ، فَلَاحٌ |
| جِذْعٌ : تنه « جمع : جُذوعٌ » | مُعَمَّرٌ : کهن سال |
| جُزُرٌ : جزیره ها « مفرد : جَزِيرَةٌ » | مُلُوثٌ : آلوده کننده |
| جَوْزَةٌ : دانه ی گردو ، بلوط و مانند آن | مُواصِفَاتٌ : ویژگی ها |
| خَنَّاقٌ : خفه کرد (مضارع : يَخْنُقُ) | نَبَتٌ : روئید (مضارع : يَنْبُتُ) |
| خَائِقٌ : خفه کننده | نَصِيفٌ : توصیف می کنیم |
| سَبَبٌ : سبب شد (مضارع : يُسَبِّبُ) | نَوَى : هسته |
| سِيَاجٌ : پرچین | |

* إِنَّ اللَّهَ فَالِقُ الْحَبِّ وَالنَّوَى يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَمُخْرِجُ الْمَيِّتِ مِنَ الْحَيِّ ... * انعام: ۹۵

بی گمان خدا شکافنده ی دانه و هسته است . زنده را از مُرده بیرون می آورد و بیرون آورنده ی مُرده از زنده است .

گروه آموزشی مای دارس

عجائبُ الأشجارِ
شگفتی های درختان

www.my-dars.ir

ظواهرُ الطَّبِيعَةِ تُثَبِّتُ حَقِيقَةً وَاحِدَةً وَهِيَ قُدْرَةُ اللَّهِ ، وَ الْآنَ نَصِفُ بَعْضَ هَذِهِ الظَّوَاهِرِ :

پدیده های طبیعت ، یک حقیقت را اثبات می کند و آن ؛ قدرت خداست ، و اکنون بعضی از این پدیده ها را توصیف می کنیم :

الْعَبَبُ الْبِرَازِيلِيُّ شَجَرَةٌ تَخْتَلِفُ عَنْ بَاقِيِ أَشْجَارِ الْعَالَمِ، تَنْبُتُ فِي الْبِرَازِيلِ، وَتَنْمُو أَثْمَارُهَا عَلَى جِدْعِهَا،

انگور برزیلی درختی است که با بقیه‌ی درختان جهان تفاوت دارد، در برزیل می‌روید، و میوه‌هایش بر تنه‌ی آن رشد می‌کند.

وَ مِنْ أَهَمِّ مُوَاصِفَاتِ هَذِهِ الشَّجَرَةِ أَنَّهَا تُعْطَى أَثْمَاراً طَوَّلَ السَّنَةِ .

و از مهم‌ترین ویژگی‌های این درخت این است که ؛ آن [درخت] در طول سال ، میوه‌هایی می‌دهد.

شَجَرَةُ السُّكْوِيَا شَجَرَةٌ مِنْ أَطْوَلِ أَشْجَارِ الْعَالَمِ فِي كَالِيفُورِنِيَا،

درخت سکویا درختی از بلندترین درختان جهان در کالیفرنیاست ،

قَدْ يَبْلُغُ ارْتِفَاعُ بَعْضِهَا أَكْثَرَ مِنْ مِئَةِ مِتْرٍ وَقَدْ يَبْلُغُ قَطْرُهَا تِسْعَةَ أَمْتَارٍ ،

گاهی بلندی برخی از آن‌ها به بیش از ۱۰۰ متر می‌رسد و گاهی قطر آن به ۹ متر می‌رسد،

وَ يَزِيدُ عُمرُهَا عَلَى ثَلَاثَةِ آلَافٍ وَ خَمْسِمِئَةِ سَنَةٍ تَقْرِيباً . و عمرش تقریباً افزون بر ۳۵۰۰ سال می‌شود .

الشَّجَرَةُ الْخَائِنِقَةُ شَجَرَةٌ تَنْمُو فِي بَعْضِ الْغَابَاتِ الْإِسْتَوَائِيَّةِ ،

درخت خفه‌کننده درختی است که در برخی از جنگل‌های استوایی رشد می‌کند ،

تَبْدَأُ حَيَاتَهَا بِاللِّتْفَافِ حَوْلَ جِدْعِ شَجَرَةٍ وَ غُصُونِهَا، ثُمَّ تَخْنُقُهَا تَدْرِيجِيّاً.

زندگی‌اش را با پیچیدن دور تنه و شاخه‌ی درختی آغاز می‌کند، سپس به تدریج آن را خفه می‌کند .

يُوجَدُ نَوْعٌ مِنْهَا فِي جَزِيرَةِ قِشْمِ الْأَنْتِي تَقَعُ فِي مُحَافَظَةِ هَرْمُزِجَانِ .

www.my-dars.ir

نوعی از آن در جزیره‌ی قشم - که در استان هرمزگان قرار دارد - یافت می‌شود (وجود دارد) .

شَجَرَةُ الْخُبَيْرِ شَجَرَةٌ اسْتَوَائِيَّةٌ تَنْمُو فِي جُزُرِ الْمُحِيطِ الْهَادِيّ، تَحْمِلُ أَثْمَاراً فِي نِهَآيَةِ أَغْصَانِهَا كَالْخُبَيْرِ .

درخت نان درختی استوایی است که در جزایر اقیانوس آرام رشد می‌کند ، و در انتهای شاخه‌هایش میوه‌هایی شبیه نان دارد .

يَأْكُلُ النَّاسُ لُبَّ هَذِهِ الثَّمَارِ .
مردم مغز این میوه‌ها را می‌خورند.

شَجَرَةُ النَّفْطِ شَجَرَةٌ يَسْتَعْمِدُهَا الْمُزَارِعُونَ كَسِيحٍ حَوْلَ الْمَزَارِعِ لِحِمَايَةِ مَحَاصِلِهِمْ مِنَ الْحَيَوَانَاتِ ؛

درخت نفت درختی است که کشاورزان آن را مانند پرچینی دور مزرعه‌ها برای محافظت محصولاتشان از حیوانات به کار می‌گیرند:

لِأَنَّ رَائِحَةَ هَذِهِ الشَّجَرَةِ كَرِيهَةٌ تَهْرُبُ مِنْهَا الْحَيَوَانَاتُ ،

زیرا بوی این درخت بد و ناخوشایند است به گونه‌ای که حیوانات از آن فرار می‌کنند،

وَ تَحْتَوِي بِذُورِهَا عَلَى مِقْدَارٍ مِنَ الزُّيُوتِ لَا يُسَبِّبُ اشْتِعَالَهَا خُرُوجَ أَيِّ غَازَاتٍ مُلَوِّتَةٍ .

و دانه‌های آن مقداری از روغن‌ها را داراست که سوختن آن‌ها سبب خارج شدن هیچ نوعی از گازهای آلوده کننده نمی‌شود.

وَ يُمَكِّنُ إِنتَاجَ النَّفْطِ مِنْهَا . وَ يُوجَدُ نَوْعٌ مِنْهَا فِي مَدِينَةِ نِيكشهر بِمُحَافَظَةِ سِيستان وَ بَلُوشِستان بِاسْمِ شَجَرَةِ مِدَاد .

و تولید نفت از آن امکان دارد و یک نوع از آن به اسم درخت مداد در شهر نیک‌شهر در استان سیستان و بلوچستان یافت می‌شود.

شَجَرَةُ الْبَلُوطِ هِيَ مِنَ الْأَشْجَارِ الْمُعَمَّرَةِ وَ قَدْ تَبْلُغُ مِنَ الْعُمُرِ أَلْفِي سَنَةٍ .

درخت بلوط یقیناً از درختان کهنسال است و گاهی عمرش به دو هزار سال می‌رسد (دو هزار سال عمر می‌کند) .

تُوجَدُ غَابَاتٌ جَمِيلَةٌ مِنْهَا فِي مُحَافَظَةِ إِيلام وَ لُرستان .

جنگل‌های زیبایی از آن در استان ایلام و استان لرستان یافت می‌شود (وجود دارد) .

يَدْفَنُ السَّنْجَابُ بَعْضَ جَوَزَاتِ الْبَلُوطِ السَّلِيمَةِ تَحْتَ التُّرَابِ ، وَ قَدْ يُنْسَى مَكَانُهَا .

سنجاب بعضی از دانه‌های سالم بلوط را زیر خاک پنهان می‌کند و گاهی جایش را فراموش می‌کند .

وَ فِي السَّنَةِ الْقَادِمَةِ تَنْمُو تِلْكَ الْجَوْزَةُ وَ تَصِيرُ شَجَرَةً .

و در سال آینده ، آن دانه [ی بلوط] رشد می‌کند و درخت می‌شود .

قال الإمام الصادق (عليه السلام) :

امام صادق (ع) فرمود :

إِزْرَعُوا وَاغْرَسُوا ، ... وَ اللَّهُ مَا عَمِلَ النَّاسُ عَمَلًا أَحَلَّ وَلَا أَطِيبَ مِنْهُ .

کشاورزی کنید و نهال بکارید، ... به خدا سوگند مردم کاری را حلال تر و خوب تر از آن انجام نداده اند.

ضِعُّ فِي الْفَرَاغِ كَلِمَةٌ مُنَاسِبَةٌ حَسَبَ نَصِّ الدَّرْسِ .

۱ - تَبْدَأُ الشَّجَرَةُ الْخَانِقَةَ حَيَاتَهَا بِاللِّتِفَافِ حَسَبَ جِذْعِ شَجَرَةٍ وَ غُصُونِهَا .

درخت خفه کننده ، زندگی خود را با پیچیدن به دور تنه‌ی یک درخت و شاخه‌هایش شروع می‌کند .

۲ - لَا يُسَبِّبُ اشْتِعَالَ زُبُوتِ شَجَرَةِ النَّفْطِ خُرُوجَ أَيِّ غَازَاتٍ مُلَوَّنَةٍ .

سوختن روغن‌های درخت نفت سبب خارج شدن هیچ یک از گازهای آلوده کننده نمی‌شود.

۳ - تُوجَدُ غَابَاتٌ جَمِيلَةٌ مِنْ أَشْجَارِ الْبَلُوطِ فِي مُحَافَظَةِ إِيلَامِ وَ لُرِسْتَانِ .

جنگل‌های زیبایی از درختان بلوط در استان ایلام و لرستان یافت می‌شود (وجود دارد) .

۴ - قَدْ يَبْلُغُ ارْتِفَاعُ بَعْضِ أَشْجَارِ السَّكُويَا أَكْثَرَ مِنْ مِئَةِ مِترِ .

گاهی بلندی بعضی درختان سکویا به بیشتر از صد متر می‌رسد.

۵ - تَحْمِلُ شَجَرَةُ الْخُبْزِ أَثْمَارًا فِي نِهَآيَةِ الْأَغْصَانِ كَالْخُبْزِ .

در انتهای شاخه‌ها درخت نان میوه‌هایی مانند نان می‌دهد.

۶ - تَنْمُو أَثْمَارُ الْعِنَبِ الْبِرَازِيلِيِّ عَلَى جِذْعِ شَجَرَتِهِ .

میوه‌های انگور برزیلی بر تنه‌ی درختش رشد می‌کند .

إِعْلَمُوا الْمَعْرِفَةَ وَالتَّكْرَهُ

اسم معرفه : اسمی است که نزد گوینده و شنونده ، یا خواننده شناخته شده است ؛ اما اسم نکره ، ناشناخته است.

مهم ترین نشانه‌ی اسم معرفه داشتن « ال » است. مثال :

جاءَ مُدْرَسٌ . معلّمی آمد .
جاءَ المُدْرَسُ . معلّم آمد .
وَجَدْتُ قَلَمًا . قلمی را یافتم .
وَجَدْتُ القَلَمَ . قلم را یافتم .

معمولاً هرگاه اسمی به صورت نکره بیاید و همان اسم دوباره همراه « ال » تکرار شود ، می‌توان الف و لامش را « این » یا « آن » ترجمه کرد. مثال :

رَأَيْتُ أَفْرَاسًا . كَانَتْ الْأَفْرَاسُ جَنْبَ صَاحِبِهَا .
اسب هایی را دیدم. آن اسبها کنار صاحبشان بودند.

کلمهٔ افراساً «نَکَرَه» است. اسم نکره نزد گوینده ، شنونده ، یا خواننده ناشناخته است.

اسم «نکره» معمولاً تنوین (ـٌ ، ـٍ ، ـِ) دارد. مثال: رَجُلًا ، رَجُلٌ و رَجُلٌ

در زبان فارسی اسم نکره به سه صورت می‌آید:

مردی آمد. / یک مرد آمد. / یک مردی آمد.

معادل فارسی هر سه جمله‌ی بالا می‌شود : جاءَ رَجُلٌ.

اسم خاص (یعنی نام مخصوص کسی یا جایی) در زبان عربی « اسم عَلَم » نامیده می‌شود و معرفه به شمار می‌رود. مانند: هاشم ، مریم ، بغداد ، بیروت و ...

اسم عَلَم ، مانند: عَبَّاسٌ ، کاظمٌ و حُسَيْنٌ تنوین دارد، ولی نکره نیست ؛ بلکه معرفه است.

سال گذشته با مبتدا و خبر آشنا شدید. گاهی خبر تنوین دارد. مثال:

الْعِلْمُ كَنْزٌ . دانش گنج است. www.my-dars.ir فَرِيقُنَا فَائِزٌ . تیم ما برنده است.

مبتدا خبر مبتدا خبر

در دو مثال بالا کنزٌ و فائزٌ تنوین دارد؛ اما نیازی به نکره معنا کردن نیست.

إِخْتَبِرْ نَفْسَكَ: تَرْجِمْ حَسَبَ قَوَاعِدِ الْمَعْرِفَةِ وَالنَّكِرَةِ.

۱ - ﴿اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ مِثْلُ نُورِهِ كَمِشْكَاةٍ فِيهَا مِصْبَاحٌ الْمِصْبَاحُ فِي زُجَاجَةٍ الزُّجَاجَةُ كَأَنَّهَا كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ﴾ *

النور: ۳۵

خدا نور آسمان‌ها و زمین است. مثل نور او مانند [این است که] در چراغدانی چراغی باشد، و آن چراغ در حبابی بلورین قرار گرفته باشد و آن حباب بلورین گویی ستاره‌ای درخشان است.

۲ - ﴿أَرْسَلْنَا إِلَىٰ فِرْعَوْنَ رَسُولًا فَعَصَىٰ فِرْعَوْنَ الرَّسُولَ ...﴾ * المزمّل: ۱۵ و ۱۶

رسولی به سوی فرعون فرستادیم پس (ولی) فرعون از آن رسول نافرمانی کرد ...

۳ - ﴿عَالِمٌ يُنْتَفَعُ بِعِلْمِهِ، خَيْرٌ مِنَ أَلْفِ عَابِدٍ﴾ رسول الله (ص)

دانشمندی که از علم او بهره‌مند می‌شوند، بهتر از هزار عبادت‌کننده است.

مای درس

گروه آموزشی عصر

www.my-dars.ir

فی المَلْعَبِ الرِّیَاضِیِّ : در ورزشگاه

| | |
|---------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|--------------------------------------------------------------------------------------------------------------|
| إسماعیل | إبراهیم |
| تعالَ نَذْهَبُ إِلَى الْمَلْعَبِ. بیا به ورزشگاه برویم. | لِمُشَاهَدَةِ أَىِّ مُبَارَاةٍ؟ برای دیدن چه مسابقه‌ای؟ |
| لِمُشَاهَدَةِ مُبَارَاةِ كُرَّةِ الْقَدَمِ. برای دیدن مسابقه‌ی فوتبال. | بَيْنَ مَنْ هَذِهِ الْمُبَارَاةُ؟ این مسابقه بین چه کسانی هست؟ |
| بَيْنَ فَرِيقِ الصَّدَاقَةِ وَ السَّعَادَةِ. بین تیم صداقت و سعادت. | الْفَرِيقَانِ تَعَادَلَا قَبْلَ أُسْبُوعَيْنِ. این دو تیم، دو هفته قبل مساوی شدند. |
| أَتَذَكَّرُ ذَلِكَ. آن را به یاد می‌آورم. | أَىُّ الْفَرِيقَيْنِ أَقْوَى؟ کدام یک از دو تیم قوی‌تر است؟ |
| كِلَاهُمَا قَوِيَّانِ. عَلَيْنَا بِالذَّهَابِ إِلَى الْمَلْعَبِ. هر دو قوی هستند. باید به ورزشگاه برویم. | عَلَى عَيْنِي. تَعَالَ نَذْهَبُ. به روی چشم (اطاعت می‌شود). بیا برویم. |
| قَبْلَ أَنْ يَمْتَلِئِيَ مِنَ الْمُتَفَرِّجِينَ. قبل از اینکه از تماشای پر شود. | [جواب علی عینی: سلامت عیناک] |
| فی المَلْعَبِ در ورزشگاه | |
| أَنْظُرُ؛ جَاءَ أَحَدُ مُهَاجِمِي فَرِيقِ الصَّدَاقَةِ. سَيُسَجَّلُ هَدْفًا. نگاه کن؛ یکی از مهاجمان تیم صداقت آمد. | هُوَ هَجَمَ عَلَى مَرْمَى فَرِيقِ السَّعَادَةِ. هَدَفٌ، هَدَفٌ! او به دروازه‌ی تیم سعادت حمله کرد. گُل، گُل! |
| لَكِنَّ الْحَكَمَ مَا قَبْلَ الْهَدَفِ؛ لِمَاذَا؟! اما داور گُل را نپذیرفت؛ چرا؟!؛ | رُبَّمَا بِسَبَبِ تَسَلُّلٍ. شاید به خاطر آفساید. |
| أَنْظُرُ، هَجَمَةٌ قَوِيَّةٌ مِنْ جَانِبِ لَاعِبِ فَرِيقِ الصَّدَاقَةِ. نگاه کن، حمله‌ای قدرتمند از طرف بازیکن تیم صداقت. | يُعْجِبُنِي جِدًّا حَارِسُ مَرْمَى فَرِيقِ السَّعَادَةِ! از دروازه‌بان تیم سعادت خیلی خوشم می‌آید! |
| مَنْ يَذْهَبُ إِلَى النَّهَائِيِّ؟ چه کسی به [دور] نهایی می‌رود؟ | مَنْ يُسَجَّلُ هَدْفًا يَذْهَبُ إِلَى النَّهَائِيِّ. هر کس گلی ثبت کند به دور نهایی می‌رود. |
| الْحَكَمُ يَصْفِرُ. داور سوت می‌زند. | لَقَدْ تَعَادَلَا مَرَّةً ثَانِيَةً بِلَا هَدَفٍ. بار دوم بدون گُل مساوی شدند. |

- ۱ - الْمُبَارَاةُ: مسابقه ۲ - تَعَادَلُ: برابر شد ۳ - أَتَذَكَّرُ: به یاد می‌آورم ۴ - كِلَا: هر دو
- ۵ - أَنْ يَمْتَلِئِيَ: که پر شود ۶ - الْمُتَفَرِّجُ: تماشاچی ۷ - سَيُسَجَّلُ: ثبت خواهد کرد ۸ - الْهَدَفُ: گُل
- ۹ - الْمَرْمَى: دروازه ۱۰ - الْحَكَمُ: داور ۱۱ - التَّسَلُّلُ: آفساید
- ۱۲ - يُعْجِبُنِي: مرا در شگفت می‌آورد، خوشم می‌آید (أَعْجَبَ، يُعْجِبُ) ۱۳ - حَارِسُ الْمَرْمَى: دروازه بان

التَّمْرِينُ الْأَوَّلُ: أَيُّ كَلِمَةٍ مِنْ كَلِمَاتِ مُعْجَمِ الدَّرْسِ تُنَاسِبُ التَّوْضِيحَاتِ التَّالِيَةَ؟

۱ - بَحْرٌ يُعَادِلُ ثُلْثَ الْأَرْضِ تَقْرِيْبًا. المَحِيْطُ الْهَادِي

دریایی که تقریباً با یک سوم زمین برابر می‌شود. (اقیانوس آرام)

۲ - التَّجْمَعُ وَالدَّوْرَانُ حَوْلَ شَيْءٍ. التَّفَافُ

جمع شدن و چرخیدن دور چیزی. (در هم بیچیدن)

۳ - الَّذِي يُعْطِيهِ اللَّهُ عُمْرًا طَوِيلًا. مَعْمَرٌ

کسی که خدا به او عمر طولانی می‌دهد. (کهنسال)

۴ - الَّذِي يَعْمَلُ فِي الْمَرْعَةِ. مُزَارِعٌ = زَارِعٌ = فَلَاحٌ

کسی که در مزرعه کار می‌کند. (کشاورز)

۵ - صِفَاتُ أَحَدٍ أَوْ شَيْءٍ. مُوَاصِفَاتٌ

ویژگی‌های کسی یا چیزی. (ویژگی‌ها)

التَّمْرِينُ الثَّانِي: تَرْجِمِ الْأَحَادِيثَ النَّبَوِيَّةَ، ثُمَّ عَيِّنِ الْمَطْلُوبَ مِنْكَ.

۱ - مَا مِنْ مُسْلِمٍ يَزْرَعُ زَرْعًا أَوْ يَغْرِسُ غَرْسًا فَيَأْكُلُ مِنْهُ طَيْرٌ أَوْ إِنْسَانٌ أَوْ بَهِيمَةٌ إِلَّا كَانَتْ لَهُ بِهِ صَدَقَةٌ. رَسُولُ اللَّهِ (ص)
(الْجَارُ وَالْمَجْرُورُ، وَاسْمُ الْفَاعِلِ)

هیچ مسلمانی نیست که زراعتی کشت کند، یا نهالی بکارد، پس (و) پرنده‌ای یا انسانی یا چارپایی از آن بخورد؛ مگر آن که برای او به خاطر آن صدقه‌ای باشد.

۲ - مَا مِنْ رَجُلٍ يَغْرِسُ غَرْسًا إِلَّا كَتَبَ اللَّهُ لَهُ مِنَ الْأَجْرِ قَدْرَ مَا يَخْرُجُ مِنْ ثَمَرِ ذَلِكَ الْغَرْسِ. رَسُولُ اللَّهِ (ص)
(الْفِعْلُ الْمَاضِي وَالْمَفْعُولُ)

هیچ مردی نیست که نهالی بکارد؛ مگر این که خداوند به اندازه‌ی میوه‌ای که از آن نهال برون می‌شود، پاداش برایش بنویسد. (نوشته‌است)

۳ - سَأَلَ النَّبِيُّ (ص): أَيُّ الْمَالِ خَيْرٌ؟ قَالَ: زَرْعٌ زَرَعَهُ صَاحِبُهُ. (الْفِعْلُ الْمَجْهُولُ، وَالْفَاعِلُ)

از پیامبر (ص) سوال شد: کدام مال بهتر است؟ فرمود: زراعتی که صاحبش آن را بکارد.

التَّمْرِينُ الثَّلَاثُ : أَجِبْ عَنِ الْأَسْئَلَةِ الثَّلَاثَةِ حَسَبَ الصُّورِ.

- ۱ - بِمَ يَذْهَبُ الطُّلَابُ إِلَى الْمَدْرَسَةِ؟
دانش‌آموزان با چه چیزی به مدرسه می‌روند؟
- بِحَافِلَةِ الْمَدْرَسَةِ.
با اتوبوس مدرسه
- فِي أَيِّ بِلَادٍ تَقَعُ هَذِهِ الْأَهْرَامُ؟
این اهرام در کدام کشور قرار دارد؟
- فِي مِصْرَ
در مصر
- كَيْفَ الْجَوُّ فِي أَرْدَبِيلَ فِي الشِّتَاءِ؟
هوای اردبیل در زمستان چگونه است؟
- بَارِدٌ.
سرد
- لِمَنْ هَذَا التَّمَالُ؟
این مجسمه از آن کیست؟
- لِسَيَّوِيَّةٍ
از سیویه
- هَلْ تُشَاهِدُ وَجْهًا فِي الصُّورَةِ؟
آیا چهره‌ای در عکس می‌بینی؟
- نَعَمْ. أَشَاهِدُ الْوَجْهَ.
بله، چهره را می‌بینم.
- أَشَاهِدُ جِسْرًا.
پلی می‌بینم.
- مَاذَا تُشَاهِدُ فَوْقَ النَّهْرِ؟
بالای رودخانه چه می‌بینی؟
- بِالَايِ رُودْخَانَهَ چَه مِی بِنِیْمِ؟

التَّمْرِينُ الرَّابِعُ : أَلِف: عَيِّنِ التَّرْجَمَةَ الصَّحِيحَةَ حَسَبَ قَوَاعِدِ الْمَعْرِفَةِ وَ النَّكْرَةِ.

- ۱ - سَمِعْتُ صَوْتًا عَجِيبًا. صدای عجیب را شنیدم. صدای عجیبی را شنیدم.
- ۲ - وَصَلْتُ إِلَى الْقَرْيَةِ. به روستای رسیدم. به روستا رسیدم.
- ۳ - نَظَرْتُ إِلَى الْمَاضِي نگاهی به گذشته نگاه به گذشته
- ۴ - الْعِبَادُ الصَّالِحُونَ بندگان درستکار بندگان درستکار
- ۵ - السَّوَارُ الْعَتِيقُ دستبند کهنه دستبندی کهنه
- ۶ - التَّارِيخُ الذَّهَبِيُّ تاریخی زرین تاریخ زرین

ب: تَرَجِمَ الْجُمْلَةَ التَّالِيَةَ حَسَبَ قَوَاعِدِ الْمَعْرِفَةِ وَ النَّكْرَةِ، ثُمَّ عَيَّنِ الْمَعْرِفَةَ وَ النَّكْرَةَ فِي مَا أُشِيرَ إِلَيْهِ بِحَطِّ.

۱ - سَجَلَتْ مُنْظَمَةُ الْيُونِسْكَو مَسْجِدَ الْإِمَامِ وَقُبَّةَ قَابُوسٍ فِي قَائِمَةِ التُّرَاثِ الْعَالَمِيِّ.

معرفه معرفه

سازمان یونسکو مسجد امام و گنبد کاووس را در لیست میراث جهانی ثبت کرد.

۲ - قَبْرُ كورُشٍ يَجْذِبُ سَيَّاحًا مِنْ دَوْلِ الْعَالَمِ.

نكره

قبر کوروش گردشگرانی از دولت‌های جهان را جذب می‌کند.

۳ - حَدِيقَةُ شَاهِزَادَةِ قُرْبِ كِرْمَانَ جَنَّةٌ فِي الصَّحْرَاءِ.

نكره

باغ شاهزاده نزدیک کرمان، بهشتی در بیابان است.

۴ - مَعْبَدُ كَرْدِكَلَا فِي مِحَافِظَةِ مَازَنْدَرَانَ أَحَدُ الْأَثَارِ الْقَدِيمَةِ.

معرفه

عبادتگاه کردکلا در استان مازندران یکی از آثار قدیمی است.

مای درس

گروه آموزشی عصر

www.my-dars.ir

التمرین الخامس: عین الکلّمة الصّحیحة حسب الفعل الماضي.

| الفعل الماضي | الفعل المضارع | فعل الأمر | المصدر | اسم الفاعل |
|--------------|--------------------------------------------|--------------------------------------------|------------------------------------------------|----------------------------------------------|
| وافق | <input type="checkbox"/> يوافق | <input checked="" type="checkbox"/> وافق | <input type="checkbox"/> التّوفيق | <input checked="" type="checkbox"/> الموافق |
| | <input type="checkbox"/> يوقّق | <input type="checkbox"/> وقق | <input checked="" type="checkbox"/> المواقفة | <input type="checkbox"/> الموقّق |
| تقرب | <input type="checkbox"/> يقرب | <input type="checkbox"/> قرب | <input checked="" type="checkbox"/> التّقرب | <input type="checkbox"/> المقرب |
| | <input checked="" type="checkbox"/> يتقرب | <input checked="" type="checkbox"/> تقرب | <input type="checkbox"/> التّقريب | <input checked="" type="checkbox"/> المتقرب |
| تعارف | <input type="checkbox"/> يتعرّف | <input checked="" type="checkbox"/> تعارف | <input type="checkbox"/> المعارفة | <input checked="" type="checkbox"/> المتعارف |
| | <input checked="" type="checkbox"/> يتعارف | <input type="checkbox"/> اعرف | <input checked="" type="checkbox"/> التّعارف | <input type="checkbox"/> المعرف |
| اشتغل | <input type="checkbox"/> يشغل | <input checked="" type="checkbox"/> اشتغل | <input type="checkbox"/> الأّشغال | <input checked="" type="checkbox"/> المشتغل |
| | <input checked="" type="checkbox"/> يشتغل | <input type="checkbox"/> إنشغل | <input checked="" type="checkbox"/> الأّشغال | <input type="checkbox"/> المنشغل |
| انفتح | <input type="checkbox"/> يفتح | <input checked="" type="checkbox"/> انفتح | <input type="checkbox"/> الأّسفتاح | <input type="checkbox"/> المتفتح |
| | <input checked="" type="checkbox"/> يفتح | <input type="checkbox"/> تفتح | <input checked="" type="checkbox"/> الأّنفتاح | <input checked="" type="checkbox"/> المنفتح |
| استرجع | <input checked="" type="checkbox"/> يسترجع | <input checked="" type="checkbox"/> استرجع | <input type="checkbox"/> الأّرتجاع | <input checked="" type="checkbox"/> المسترجع |
| | <input type="checkbox"/> يرتجع | <input type="checkbox"/> راجع | <input checked="" type="checkbox"/> الأّسترجاع | <input type="checkbox"/> المرّجع |
| نزل | <input type="checkbox"/> ينزل | <input type="checkbox"/> إنزل | <input type="checkbox"/> النّزول | <input checked="" type="checkbox"/> المنزل |
| | <input checked="" type="checkbox"/> ينزل | <input checked="" type="checkbox"/> نزل | <input checked="" type="checkbox"/> التّنزيل | <input type="checkbox"/> النّازل |
| أكرم | <input checked="" type="checkbox"/> يكرم | <input checked="" type="checkbox"/> أكرم | <input checked="" type="checkbox"/> الأّكرام | <input type="checkbox"/> الأّكرم |
| | <input type="checkbox"/> يكرم | <input type="checkbox"/> كرم | <input type="checkbox"/> التّكريم | <input checked="" type="checkbox"/> المكرم |

البحث العلمي: إبحث عن نصّ حول أهميّة زراعة الأشجار.